

منتخب غزل فارسی

ارشید بلخی تافصیح الزمان شیرازی

به کوشش محمد مؤمنی زاده



سرشناسه	: مؤمنی زاده، حمزه، ۱۳۴۵ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: منتخب غزل فارسی (غزل بگو به سادگی)؛ از شهید بلخی تا فصیح الزمان شیرازی.
مشخصات نشر	: تهران: ژرف، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۳۵۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۲۵-۶۳-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: شعر فارسی - قرن ۴ تا قرن ۱۴ -- مجموعه اشعار
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲ م ۸۴۰/۴ PIR
رده بندی دیویی	: ۸۱۶/۶۲۰۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۹۲۴۶۵



انتشارات

منتخب غزل فارسی از شهید بلخی تا فصیح الزمان شیرازی

به کوشش حمزه مؤمنی زاده

حروف نگاری: جهان فارس - صفحه آرایی: خسرو هراتی
آماده سازی کتاب: امید خاتمی
چاپ و صحافی: پردیس دانش

انتشار اول، بهار ۱۳۹۷ - شمارگان ۳۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۹۲۵-۶۳-۰
قیمت ۳۵۰۰۰ تومان

نشر ژرف. تلفن: ۰۹۰۱۹۵۰۸۷۳۸ / ۶۶۴۰۳۲۸۴

تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت)، شماره ۳۸، واحد یک.

فهرست مطالب



مقدمه.....	۱۱	کمال الدین اسماعیل اصفهانی	۵۶
منصوری در غزل و سیر غزل در		مولانا جلال الدین محمد بلخی	
فارسی.....	۱۲	(مولوی).....	۵۹
شهید بلخی.....	۲۵	سعدی.....	۶۲
قطران تبریزی.....	۲۶	مجد همگر.....	۶۵
امیر معزی.....	۲۷	فخرالدین عراقی.....	۶۸
عثمان مختاری.....	۲۸	یوسف فرغانی.....	۷۱
سید حسن غزنوی.....	۲۹	سراج الدین قمری آملی.....	۷۴
سنایی.....	۳۰	همای تبریزی.....	۷۷
ادیب صابر ترمذی.....	۳۳	نزاری قستان.....	۷۹
عبدالواسع جبلی.....	۳۵	امیر خسرو دهلوی.....	۸۳
انوری.....	۳۸	حسن دهلوی.....	۸۶
مجیرالدین بیلقانی.....	۴۰	اوحدی مراغی.....	۸۵
جمال الدین عبدالرزاق		خواجوی کرمانی.....	۹۳
اصفهانی.....	۴۲	ابن یمین فریومدی.....	۹۶
ظهیرالدین فاریابی.....	۴۵	عبید زاکانی.....	۹۹
خاقانی.....	۴۶	ناصر بخارایی.....	۱۰۲
نظامی گنجیه‌یی.....	۴۹	عماد فقیه کرمانی.....	۱۰۵
عطار نیشابوری.....	۵۲	سلمان ساوجی.....	۱۰۸

۱۷۸ ظهوری ترشیزی	۱۱۲ حافظ
۱۸۱ علی نقی کمره‌بی	۱۱۵ کمال خجندی
۱۸۳ شاپور تهرانی	۱۱۸ شاه نعمت‌الله ولی
۱۸۵ طالب آملی	۱۲۰ قاسم انوار
۱۸۸ رضی‌الدین ارتیمانی	۱۲۳ خیالی بخارایی
۱۹۲ شفای اصفهانی	۱۲۵ امیر شاهی سبزواری
۱۹۵ فصیحی هروی	۱۲۸ کاتبی نیشابوری (ترشیزی)
۱۹۷ محمدجان قدسی مشهدی	۱۳۰ عمادالدین نسیمی
۱۹۹ سلیم تهرانی	۱۳۲ فتاحی نیشابوری
۲۰۲ اسیر شهرستانی	۱۳۴ جان
۲۰۴ کلیم همدانی	۱۳۷ آلفی هری
۲۰۷ مسیح کاشانی	۱۳۹ همایون امیرانی
۲۱۰ صیدی طهرانی	۱۴۰ امیرعلی شیرازی «مائی»
۲۱۲ فیاض لاهیجی	۱۴۱ بابا فغانی شیرازی
۲۱۵ طارای مشهدی	۱۴۵ هلالی جغتایی
۲۱۷ ملا محسن فیض کاشانی	۱۴۸ اهلی شیرازی
۲۱۸ ناظم هروی	۱۵۱ نرگسی ابهری
۲۲۰ صمدی تبریزی	۱۵۳ شرف جهان قزوینی
۲۲۴ دانش مشهدی	۱۵۵ غزالی مشهدی
۲۲۷ واعظ قزوینی	۱۵۷ میلی مشهدی
۲۳۰ غنی کشمیری	۱۵۹ وحشی بافقی
۲۳۱ قاضی سعید قمی	۱۶۲ محتشم کاشانی
۲۳۵ شوکت بخارایی	۱۶۵ عرفی شیرازی
۲۳۸ ناصر علی سرهندی	۱۶۸ ولی دشت بیاضی
۲۴۰ اشرف مازندرانی	۱۶۹ سحابی استرآبادی
۲۴۳ شفیعای شیرازی	۱۷۱ نوعی خوشانی
۲۴۴ جویا تبریزی	۱۷۳ نظیری نیشابوری
۲۴۷ بیدل دهلوی	۱۷۶ سنجر کاشانی

۲۵۱	محسن تأثیر تبریزی	۳۰۳	واله اصفهانی
۲۵۴	نجیب کاشانی	۳۰۵	صحبت لاری
۲۵۶	مخلص کاشانی	۳۰۷	وصال شیرازی
۲۵۸	رایج سیالکوتی	۳۱۰	غالب دهلوی
۲۶۰	آفرین لاهوری	۳۱۴ ..	حاج ملا هادی سبزواری
۲۶۲	میرزا محمدباقر حسینی	۳۱۶	همای شیرازی
۲۶۶	قصاب کاشانی	۳۱۸	فروغی بسطامی
۲۶۹	طیب اصفهانی	۳۲۱	طاهره ی قره العین
۲۷۱	ستاق اصفهانی	۳۲۲	داوری شیرازی
۲۷۴	حزین لاهیجی	۳۲۳	صفی علی شاه
۲۷۷	عاشق اصفهانی	۳۲۵	صفای اصفهانی
۲۸۰	درویش عبدالجبار طالقانی	۳۲۷	میرزا حبیب خراسانی
۲۸۲	واقف لاسری	۳۲۹	فرصت شیرازی
۲۸۵	هاتف اصفهانی	۳۳۱	شوریده ی شیرازی
۲۸۷	صباحی بیدگلی	۳۳۳	آتش اصفهانی
۲۸۹	آذر بیگدلی	۳۳۵	عزت نایینی
۲۹۱	رفیق اصفهانی	فصیح الزمان شیرازی	
۲۹۴	یغمای جندقی	۳۳۷	(رضائی)
۲۹۶	نشاط اصفهانی	۳۳۹	مؤخره
۲۹۸	سحاب اصفهانی	۳۴۱	کتابت سی
۳۰۰	مجمر زواره یی		

مقدمه

اگر دستم رسد روزی، که انصاف از تو بستانم
قضای عهد ماضی را، شبی دستی برافشانم
انت دوست می دارم که گر روزی فراق افتد
تو صبر از من توانی کرد و من صبر از تو نتوانم
دل صدا بگوید که چشم از فتنه بر هم نه
دگر ره یاده می کنند بر آن بالای فغانم
تو را در بوسان باد که شش سرو بنشینی
و گرنه باغبان کولک دیگر و نشانم
رفیقانم سفر کردند، دریایی
خلاف من که بگرفت ست دامن مغلام
به دریایی در افتادم که پایشان نم
کسی را پنجه افکندم که در مانش نمی دانم
فراقم سخت می آید، ولیکن صبر می باید
که گر بگریزم از سختی، رفیق سست پیمانم
مپرسم دوش چون بودی به تاریکی و تنهایی
شب هجرم چه می پرسی که روز وصل حیرانم
شبان آهسته می نالم، مگر دردم نهان ماند
به گوش هر که در عالم، رسید آواز پنهانم
دمی با دوست در خلوت، به از صد سال در عشرت
من آزادی نمی خواهم، که با یوسف به زندانم
من آن مرغ سخندانم که در خاکم رود صورت
هنوز آواز می آید به معنی از گلستانم

مختصری در غزل و سیر غزل در فارسی

استاد درخشناک و دانشی مرد سترگ، محمد معین در فرهنگ
ارجمند خود ذیل مدخل غزل، می‌فرمایند:

«غزل ۱- سخن گفتن با زنان. عشق بازی کردن. ۲- حکایت
کردن از جوانی و حدیث صحبت و عشق زنان. ۳- سخن‌گویی با
زنان. عشق بازی. ۴- شعری مرکب از چند بیت (معمولاً بین ۷ تا
۱۲ بیت) که وزن آن‌ها مساوی و مصراع اول با آخر ابیات مقفی
باشد و موضوع آن وصف معشوق و می و مغالزه است. ۵- یک
قسمت از چهار قسمت نوبت مرتب یعنی تألیف کامل است و آن
بهار قنات عبارتند از: قول، غزل، ترانه و فرو داشت.»^۱

سیر سیمیا در تحقیق عالمانه‌ی «سیر غزل در شعر
فارسی» در معنی غزل آورده است:

«غزل در عرب مصراع ثلاثی مجرّد و اسم است و به معانی مختلف
اما، متشابه سخن گفتن، زنان و عشق بازی و حکایت کردن از
جوانی و محبت ورزیدن و وصف زنان و غیره به کار رفته است.»^۲

غزل در اصطلاح

غزل در اصطلاح ادبی نام یکی از انواع مشخص شعر است و
آن عبارت است از چند بیت (معمولاً هفت بیت)، متحدالوزن که
جميع مصاريع دوم ابیات آن دارای قافیه هستند و البته حتماً دو
مصراع بیت اول (مطلع) نیز قافیه دارند. نمونه‌ی کامل این گونه
اشعار، غزل‌های حافظ و سعدی است. شاعر در بیت آخر (مقطع)

۱- محمد معین. فرهنگ معین. جلد دوم. امیرکبیر. چاپ هشتم. صفحه‌ی
۲۴۱۲.

۲- سیروس شمیسا. سیر غزل در شعر فارسی. نشر فردوس. چاپ چهارم.
۱۳۷۳. صفحه‌ی ۱۱. آن‌چه در پی می‌آید چکیده‌ی است از باب اول «سیر غزل
در شعر فارسی» با عنوان «تحول غزل فارسی».

غزل، معمولاً اسم شعری خود را ذکر می‌کند و یا به اصطلاح تخلص می‌کند.

مضمون غزل غالباً ذکر زیبایی معشوق و بی‌وفایی و سنگدلی او و قصه‌ی فراق و محنت کشیدن عاشق است. غزل به معنی مصطلح امروزی - که معمولاً مستفاد از غزل‌های سعدی و حافظ است - از قرن ششم به بعد دارای وضع مشخص شد و بعد از آن بر طبق قانون تکامل و تحول ادبی تغییراتی کرد.^۱

غزل سر را در برخی از فرهنگ‌ها به معنی مطرب نوشته‌اند. چنان که در فرهنگ آندراج ذیل غزل سرای و غزل‌گوی نویسد: «معروف کنایه از مطرب».

آبختنگ غزل (به معنای مصطلح) با موسیقی، مخصوصاً در نزد صوفیه معروف بوده است. مولانا رومی گاهی فی‌البداهه در مجلس سماع غزلی می‌خوانده است و قوالان آن را می‌خوانده‌اند. غزل در عربی به مضمون عاشقانه‌ی شعر اطلاق می‌شود و قالب شعری مخصوصی نیست و این رو به قصاید دارای مضمون غزلی نیز ممکن است اطلاق گردد. قصود از غزل در ادب عربی همان تغزل یا قصاید غنایی است. تغزل در وایل قصاید جاهلی فراوان است. در دوره‌ی اموی هم تغزل رایج داشت. مفاهیم غزلی معمولاً در قصیده بیان می‌شد. از این رو غزل را از ابتکارات ایرانیان دانسته‌اند و گفته‌اند که عرب اصولاً شکر سرای غزل نداشته است.^۲

چهار معنی غزل

غزل در طی تاریخ ادبیات فارسی چهار معنا داشته است که سه معنای آن امروزه قدیم و متروک است.

۱- سیر غزل در شعر فارسی. صفحه‌ی ۱۲.

۲- همان. ص ۲۰.